

## راهکارهای طراحی فضاهای عمومی باهدف شکل گیری تعاملات اجتماعی در محله گنبد کازرون

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۴/۱۰

تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۵/۰۵

کد مقاله: ۱۴۶۸۵

محمد اکبری ریابی<sup>۱</sup>، حسین امیرعضدی<sup>۲\*</sup>

### چکیده

فضاهای عمومی زیرمجموعه‌ای از فضاهای شهری محسوب می‌شوند که وجه اشتراک مهم آن‌ها تعاملات اجتماعی افراد می‌باشد که ضرورت شکل‌گیری تعاملات اجتماعی در فضاهای عمومی بر اساس سیاست‌های نوین شهرسازی در جهت افزایش امنیت و اعتماد عمومی می‌باشد. در شهر کازرون به‌طور کلی و در محله گنبد این شهر به‌طور تخصصی این تعاملات زیاد به چشم نمی‌خورد که به نظر می‌رسد این نارسایی معلول عدم طراحی مناسب فضاهای عمومی که به اجتماع مردمی کمک کند، می‌باشد. در پژوهش حاضر که در گروه مطالعات کاربردی و از نوع توصیفی-تحلیلی می‌باشد که پرسشنامه‌ها تکمیل و با نرم‌افزار SPSS آنالیز شده‌اند. در انتها پس از بررسی نتایج معلوم شد که برای شکل‌گیری فضای فعال اجتماعی ضمن توجه به مؤلفه‌های جامعه‌شناسی، از مؤلفه‌های کالبدی نیز باید استفاده کرد. از جمله مؤلفه‌هایی که می‌تواند به سرزندگی فضا کمک کند رعایت مقیاس انسان-فضا، توجه به مبلمان شهری و رؤیت پذیری عرصه‌های همگانی می‌باشد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی

واژگان کلیدی: فضاهای عمومی، تعاملات اجتماعی، طراحی شهری، شهر کازرون

۱- کارشناس ارشد طراحی شهری دانشگاه شهید بهشتی تهران؛ عضو هیئت علمی دانشگاه سلمان فارسی کازرون  
۲- دانشجوی کارشناسی ارشد برنامه ریزی شهری دانشگاه یزد (نویسنده مسئول) hossein.kazeroon@gmail.com

## ۱- مقدمه

با توجه به اینکه امروزه فضای شهری کارکردی اجتماعی دارد، وجود فضاهای عمومی شهری، ضرورتی اساسی در برنامه‌های توسعه شهری هستند که این امر حکایت از نقش این فضاها در تقویت وجه فرهنگی-اجتماعی شهر دارد. "فضاهای عمومی شهری" را می‌توان عرصه‌ای دانست که داستان زندگی جمعی در آن‌ها گشوده می‌شود و مکانی نه صرفاً کالبدی، برای ایجاد تعاملات اجتماعی و مرادفات شهروندی را فراهم می‌کند، چنانچه به‌زعم بسیاری از اندیشمندان فضاهای عمومی شهر مؤلفه‌ای اساسی در بهبود و افزایش میزان سرمایه اجتماعی در ساختار شهر به شمار می‌رود [۱۴]؛ بنابراین فضای شهری بستر شکل‌گیری و تقویت ارتباطات اجتماعی در جهت برقراری حس امنیت و اعتماد در فضای عمومی است و از طرفی دیگر مکانی مهم برای شکل‌گیری مراسم آیینی است که کمک شایانی به برقراری روابط اجتماعی و زندگی جمعی می‌کند. حضور مثبت افراد در این فضاها، حس تعلق و روحیه تعاون را افزایش می‌دهد. انسان در فضای شهری به دنبال مکانی جهت آسودن، آزادسازی فشارهای روحی-روانی و تعاملات اجتماعی است. در جهت پاسخگویی به این نیاز، طراحی فضاهای عمومی مابین و ارتباط دهنده محلات، باید از چنان جذابیتی برخوردار باشد تا به افزایش ارتباطات متقابل و مناسبات اجتماعی بین ساکنان یاری نماید. طراحی صحیح و پیش‌بینی فعالیت‌های زنده و جاذب منجر به تشدید استفاده از فضای شهری، تقویت ارتباطات اجتماعی، افزایش حس تعلق افراد به محیط می‌شود و احساس مسئولیت آن‌ها را در بهره‌برداری از فضا تقویت می‌نماید.

پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش فضاهای عمومی بر شکل‌گیری تعاملات اجتماعی در محله انتظام شهر کازرون به انجام رسیده است و در این مسیر سؤالاتی مانند اینکه چگونه می‌توان افراد را به استفاده از فضاهای جمعی تشویق نمود و اصولاً چه ویژگی‌هایی از فضاهای شهری در برقراری یا افزایش تعاملات اجتماعی مؤثر است؟ و نهایتاً آیا فضاهای عمومی محله کیفیت لازم در راستای برآورده ساختن نیازهای اجتماعی ساکنان خود دارد یا خیر ذهن نگارنده را مشغول خودساخته است. پیش از آغاز پژوهش، مشاهدات میدانی نگارنده که حاصل یک سال سکونت در این محله است، حاکی است به نظر می‌رسد محله فاقد فضاهای عمومی با کیفیت جهت پاسخگویی به نیازهای اجتماعی ساکنان باشد و از سویی با طراحی مناسب و استفاده از نظرات ساکنین در طراحی می‌توان افراد را به استفاده از فضاهای جمعی تشویق نمود. با این پیش زمینه احتمالاً ویژگی‌هایی مانند خوانایی فضا، جذابیت، سرزندگی، شفافیت و امنیت می‌تواند در برقراری یا افزایش تعاملات اجتماعی مؤثر باشد. وجود چنین فرضیه‌ها و سوالات متناظر با آن، نگارنده را متقاعد به انجام این پژوهش ساخته است.

## ۲- روش تحقیق

تحقیق پیش رو در گروه مطالعات کاربردی و از نوع توصیفی-تحلیلی قرار می‌گیرد. با توجه به ماهیت پژوهش، داده‌های مورد نیاز به طرق مختلف مطالعات اسنادی (شامل کتب، مقالات، پایان نامه‌ها، آمارنامه‌ها و گزارش‌ها) عموماً در بخش چارچوب تئوریک و مطالعات میدانی (شامل پرسشنامه، مصاحبه، مشاهده عینی و ...) خصوصاً در بخش آزمون یافته‌ها در نمونه موردی گردآوری شده است. یافته‌های حاصل از مطالعات نظری با مدل مکان دیوید کانتز<sup>۱</sup> ترکیب شد به این مفهوم که معیارهای استخراجی، مشابه مدل مکان در قالب سه مؤلفه کالبد، عملکرد و معانی جمع‌بندی و براین اساس یافته‌ها برای آزمون روی نمونه موردی مناسب‌سازی گردید. با توجه به تخمین جمعیت ساکنین و حاضران در محدوده مورد مطالعه، حجم نمونه با سطح اطمینان ۹۵ درصد و احتمال خطای ۵ درصد و با فرض اینکه ۵۰ درصد جمعیت پاسخ یکسانی بدهند ۳۸۵ نفر تعیین گردید. روش نمونه‌گیری برای انجام مصاحبه‌ها و تکمیل پرسشنامه به روش تصادفی ساده و مابین افراد حاضر در محدوده صورت گرفته است؛ نظر به تخصصی بودن برخی مفاهیم مورد استفاده در پرسشنامه و در نظر گرفتن سطح تحصیلات افراد پاسخگو، عمدتاً پرسشنامه‌ها به شیوه پرسشگر فعال تکمیل گردید به این مفهوم که سوالات برای پرسش‌شوندگان خوانده شده و در صورت وجود ابهام یا نیاز به توضیح بیشتر، توضیحات تکمیلی توسط پرسشگر ارائه و نهایتاً پاسخ فرد ثبت می‌گردد. در پژوهش حاضر به منظور دستیابی به علل و عوامل مؤثر در شکل‌گیری تعاملات اجتماعی از پرسش نامه‌ای با ۲۳ گویه در قالب درجه‌بندی لیکرت و به صورت پنج درجه‌ای (خیلی زیاد تا خیلی کم)، بهره گرفته شد. برای کمی‌سازی پاسخ‌ها به درجه بندی‌ها امتیازاتی از یک تا پنج داده شد و تجزیه و تحلیل اطلاعات با کمک نرم افزار آماری تحلیل داده‌های اجتماعی (SPSS نسخه ۲۲) به انجام رسید.

۱- برای مطالعه بیشتر درخصوص مدل مکان مراجعه کنید به اکبری، محمد (۱۳۹۵)، نگاهی به مفاهیم مکان از منظر نظریات؛ انتشارات اندیشگان، تهران.

## ۳- چارچوب نظری

### ۳-۱- مفاهیم فضا

مفهوم فضا از مفاهیم سهل و ممتنع است به این مفهوم که اگرچه غالب افراد به راحتی آنرا درک می‌کنند اما این واژه سخت به تعریف تن در می‌دهد و صاحب‌نظران مختلف در پاسخ به چالش تعریف این مفهوم موارد مختلفی را بیان کرده‌اند. برخی همچون ارسطو آنرا مجموعه‌ای از مکان‌ها و زمینه‌ای پویا برای اغراض کیفی دانسته و برخی آنرا مقوله‌ای عام می‌دانند که تمام هستی جهان را پر می‌کند [۷]. در مطالعات متعدد پیرامون فضا، مشاهده می‌کنیم تعریف این مفهوم در بسیاری از منابع هم‌ارز با مفاهیم مکان و محیط ارائه شده‌است؛ درحالی‌که در برخی منابع فضا را گستره‌ای باز و انتزاعی می‌بینیم، مکان بخشی از فضا است که به وسیله شخصی یا چیزی اشغال شده و دارای بار معنایی است [۵۲]. به زعم دیوید هاروی اگرچه ماهیت فضا در تحقیقات اجتماعی هنوز مبهم مانده، اگر مفهوم فضای مطلق را در نظر بگیریم، شی فی‌نفسه‌ای دارای موجودیتی مستقل از ماده محسوب می‌گردد [۳۱]. همانطور که مشخص است، برخی از جبریون فضا را تعیین‌کننده روابط انسانی می‌دانند، برخی فضا را بعد مادی و برخی معتقدند فضا امکانات و محدودیت‌هایی ایجاد می‌کند که مردم بر اساس معیارهای فرهنگی خرد آن را انتخاب می‌کنند [۱۱]. به-هر تقدیر با عنایت به این موضوع که تاکنون پژوهش‌های بنیادین متعددی درخصوص مفاهیم فضا انجام شده، تنها بخشی از این مفهوم که عبارتست از فضای عمومی شهری و بستر زمینه‌ای انجام این پژوهش را مهیا می‌سازد، سوژه مطالعات ما قرار خواهد گرفت.

### ۳-۲- فضاهای عمومی

ما فضاهای عمومی را بخشی از فضاهای موجود در شهر می‌دانیم که محدود به لفاف فضایی شهر بوده و حضور در آن برای عموم شهروندان آزاد است؛ چنین فضایی متولی و مالک شخصی نداشته و شهروند برای تردد در آن متحمل پرداخت هزینه نخواهد شد. برخی از صاحب‌نظران معتقدند این فضاها در پی بروز بحران‌های اجتماعی و شهری (بی‌معنا شدن ارزش‌ها، انزوا طلبی گروه‌های اجتماعی و خشونت‌های رفتاری) در اروپا از سال ۱۹۸۰ مورد توجه قرار گرفت. طراحان معتقد بودند این فضاهای عمومی موجب تشویق روابط اجتماعی و توسعه احساس تعلق به مجموعه‌ای مشترک برای شهروندان خواهد شد [۲۸]. در واقع در فضاهای عمومی روابطی بین افراد شکل می‌گیرد که می‌توانند همدیگر را درک کنند و با هم مرتبط شوند. فضای عمومی مکانی است که در آن می‌توان تجربه نسل‌های پیشین را نیز تجربه کرد؛ در همان خم کوچه که نسل‌های پیشین ایستاده بودند و به همان مکان کالبدی نگاه می‌کردند که ما نیز نگاه می‌کنیم. همین را می‌توان به نسل‌های آینده نیز که ممکن است تجربیات مشابهی را از طریق استمرار فضایی و سازمانی داشته باشند، تعمیم داد. بنابر این فضای عمومی یعنی زمینه مشترکی که مردم در آن بتوانند فعالیت‌های عملکردی و آئینی را که منجر به پیوند بین‌شان می‌شود، انجام دهند [۵۴].

فضاهای عمومی فضاهایی هستند که افراد و گروه‌های مختلف اجتماعی در آن سهیم اند، این فضاها محل تبادل افکار و اطلاعات و مکانی برای شکل‌گیری شبکه‌های اجتماعی هستند [۲۲]. چنین فضاهایی بیش از آنکه تنها یک فضا باشند یک تجربه‌اند که نتیجه چنین تعامل و تجاربی در میان افراد و گروه‌های مختلف، دریافت حس هویت جمعی، عزت نفس، ارتقاء مهارت‌های جمعی و مشارکت اجتماعی خواهد بود. چنین تعبیر و تفسیری از فضاهای عمومی در رابطه با حباب اجتماعی انسان‌ها از ارسطو تاکنون همواره مورد توجه شهرسازان و نظریه‌پردازان شهری بوده و هست [۱۵]. فضاهای باز عمومی، چنان که لینچ بیان می‌کند امکان انگیزش و انتخاب آزاد میان رفتارها، حرکت‌ها و اکتشافات بعدی را برای تعداد معنی‌داری از مردم و شهروندان فراهم می‌آورد؛ در فضاهای عمومی فرصت آن وجود دارد که برخی مرزهای اجتماعی شکسته شده و برخوردهای ازپیش تدوین نیافته به-وقوع پیوسته و افراد در یک محیط اجتماعی جدید با هم اختلاط پیدا کنند [۶].

فضاهای شهری بخشی از فضاهای باز و عمومی شهرها و به‌نوعی تبلور ماهیت زندگی جمعی‌اند، یعنی جایی که شهروندان در آن حضور دارند [۶۰]. از دیدگاه توماس کوهن ۱ فضای شهری را می‌توان بستری محاط شده به وسیله عناصر شهری دانست که در آن روابط و فعالیت‌های اجتماعی متبلور شده و شکل می‌یابند. اسموند در سال هزار و نهصد و شصت و شش نخستین بار واژه‌های فضای مردم‌گریز و مردم‌گرا را مطرح نمود. به زعم وی فضاهای شهری مردم‌گرا فضاهایی هستند که مردم را دور هم جمع می‌نمایند و برعکس آن فضاهای شهری مردم‌گریز، مردم را از هم دور می‌کنند [۱۸]. حال در مبحث تعاملات جمعی در فضا، فضاها را به دو دسته محیط‌های اجتماع‌پذیر و محیط‌های اجتماع‌گریز دسته‌بندی نمود [۲۶]. لنگ، فضای مردم‌گریز را فضای بازدارنده ارتباطات اجتماعی بین مردم و فضای مردم‌گرا را تشویق‌کننده به مکث، توقف و ایجاد تعامل معرفی کرد [۵]. وی در ارتباط با فضاهای مردم‌گرا، مفهوم مکان‌پذیرا را مطرح می‌کند و آن را محیطی می‌خواند که بتواند تجربه انسان را بهبود بخشد،

دارای مقیاس انسانی بوده، بستر رفتارها و فعالیت‌های متنوعی گردد و توانایی پذیرش رفتارهای دلخواه شهروندان را داشته باشد [۱۶].

کارمونا فضاهای عمومی امروز را به عنوان قلمروهای عمومی می‌داند که این قلمروها به «مکان و محیط زندگی اجتماعی» اطلاق می‌شوند [۳۹]. وی برای فضای شهری دو بعد کالبدی و اجتماعی (فعالیت) قائل است که به واسطه فعالیت‌ها و اتفاقاتی که در این فضاها و مجموعه‌ها رخ می‌دهد، می‌توان آن‌ها را عرصه‌های عمومی اجتماعی - فرهنگی نامید [۲۵]. بعد اجتماعی به این که مردم چگونه از فضا استفاده می‌کنند برمی‌گردد، رابطه بین فضا و بستر اجتماعی آن به صورت یک فرایند دو طرفه است که در آن مردم و جوامع فضاها را به وجود آورده و تغییر می‌دهند؛ درحالی که این مردم خود به طرق مختلف تحت تاثیر این فضاها قرار دارند. تعاملات اجتماعی می‌تواند در فضا شکل بگیرد و همچنین توسط شکل فضا مورد تهدید قرار گیرد و یا فضا واسطه‌ی انجام برقراری روابط اجتماعی گردد [۳۹]. با توجه به تعدد ادبیات موجود در زمینه فضاهای عمومی و تعاملات اجتماعی در این فضاها، جهت پرهیز از اطاله‌ی کلام، خلاصه دیدگاه برخی صاحب‌نظران مطالعه شده و معیارهای موجود در عرصه همگانی که از نظر ایشان در برقراری تعاملات اجتماعی مؤثر است، در قالب جدول ذیل تلخیص و تدوین گردید. جدول شماره ۱ پژوهش‌های مطالعه شده پیرامون عرصه‌های عمومی با رویکرد تعاملات اجتماعی را معرفی و معیارهای مورد بررسی در آن را نمایش می‌دهد.

جدول ۱- پژوهش‌ها در مورد فضاهای عمومی و معیارهای مؤثر در برقراری تعاملات اجتماعی (منبع: نگارنده برپایه یافته‌های مطالعات نظری)

پژوهش	سال	مفاهیم و معیارها
منصوری	۱۳۹۴	تشویق روابط اجتماعی - توسعه احساس تعلق به محیط
مدنی پور	۱۳۹۱	درگیری افراد با تجربه نسل‌های پیشین - کالبد خاطره‌انگیز - استمرار فضایی و سازمانی - فعالیت‌های آیینی
کشفی و دیگران	۱۳۹۱	تبادل افکار و اطلاعات - شبکه‌های اجتماعی
دانشپور و چرخچیان	۱۳۸۶	دریافت حس هویت جمعی - مشارکت اجتماعی
بهزادفر و طهماسبی	۱۳۹۲	امکان انتخاب آزاد میان رفتارها - انگیزش - تعاملات پیش‌بینی نشده
شجاعی و پرتوی	۱۳۹۴	فعالیت‌های اجتماعی - فضاهای مردم‌گرا و مردم‌گریز (اسموند ۱۹۶۶)
راست بین و همکاران	۱۳۹۱	مقیاس انسانی - پذیرش رفتارهای دلخواه شهروندان
کرمونا و همکاران	۲۰۱۰	بعد کالبدی - بعد اجتماعی (فعالیت) - عرصه‌های فرهنگی
نعیمی و همکاران	۱۳۹۳	مردم‌سالاری - خودباوری - قانون‌گرایی

استفان کار ۲ به تحقیق روی کارکرد و طراحی عرصه‌های عمومی می‌پردازد. کار، مکان سوم را معرفی می‌کند و معتقد است فضاهای عمومی بیرونی، در ذهن مخاطبان بمثابة مکانی برای فراغت از چالش‌های روزمره جلوه می‌کند؛ بنابراین شهروند در این عرصه با دیگران آزادانه و دلخواه به تعامل می‌پردازد؛ خرید و فروش می‌کند، غذا می‌خورد، پیاده‌روی و دوچرخه‌سواری می‌کند و یا هر فعالیت دیگری که در چارچوب عرف و هنجار باشد بصورت دلخواهانه قابلیت انجام خواهد داشت. پس عرصه‌های عمومی معنادار، دموکراتیک و پاسخگو به نیازهای فردی هستند. کنشگران در عرصه عمومی و در جریان تعاملات اجتماعی، ارضای نیازهای شخصی را دنبال خواهند کرد. همچنین پنج نیاز اساسی مردم را که در عرصه عمومی باید به آن پاسخ گفت چنین می‌شمارد: راحتی، آسودگی، مشارکت غیرفعال با محیط، مشارکت فعال، اکتشاف [۳۶]. مفهوم تعامل اجتماعی به عنوان عنصر پایدار فضای شهری معطوف به مجموعه‌ی پوشش‌ها، گرایش‌ها و نگرش‌هایی است که بر پایه‌ی عقلانیت جمع، باورهای مردم‌سالاری، خودباوری، خردگرایی و قانون‌گرایی است [۲۹]. تعاملات اجتماعی در کامل‌ترین تعریف خود، در فضاهای شهری به منصفی ظهور می‌رسند، از این رو می‌توان فضای شهری را مکان ظهور تعامل اجتماعی قلمداد نمود و این چنین است که فضای شهری علاوه بر تأثیر پذیرفتن در شکل‌گیری خود از تعاملات اجتماعی، به آن شکل می‌دهد و از این‌روست که فضای شهری به واسطه‌ی محتوی شکل دهنده‌ی خود، مرکز نمادین پایداری ارزش‌های مردمی است که به بیان قدرت خویش می‌پردازند و آن را در فضا متبلور می‌سازند [۱۷]؛ بنابراین همانطور که دیدیم عرصه‌های همگانی و تعاملات اجتماعی سازوکاری هوشمند و بافت درهم تنیده‌ای دارند که می‌خواهیم بصورت دقیق‌تر این کنش و واکنش‌های دوسویه را مورد بررسی قرار دهیم؛ پس خوب است در این قسمت به مفهوم تعاملات اجتماعی نگاه دقیق‌تری داشته باشیم.

1 - Mathew Carmona

2 - Stephan Carr

### ۳-۳- تعاملات اجتماعی

انسان موجودی به شدت اجتماعی است و چنانکه تاجبخش اشاره می‌کند بدون هیچ شکی نیازمند به داشتن روابط اجتماعی و در واقع در سطح اعلی آن ارضاء تعاملات اجتماعی است؛ تنها در چنین شرایطی انسان خواهد توانست به حیات اجتماعی خود ادامه دهد [۹]. محیط شهری و محدوده زندگی شهروندان دائماً پذیرای فعل و انفعالات اندیشیده یا غیراندیشیده مابین کاربران خود خواهد بود؛ بنابراین لزوم توجه به سطح عالی تعاملات اجتماعی در عرصه‌های عمومی اجتناب‌ناپذیر است؛ اما از آن‌جا که پیچیده‌ترین کنش‌ها نیز در همین تعاملات اجتماعی بین انسان‌ها ایجاد می‌شود، انسان در نهاد خود، پذیرای تمام انسان‌های دیگر است اما در گذر زمان، فرار گرفتن در جامعه و به علت کسب تجربیات مختلف به میزان زیادی این باورها در وی دچار تغییرات و دگرگونی‌هایی می‌شود و فیلترهایی برای نوع تعاملات اجتماعی خود تخصیص می‌دهد. زندگی انسان بدون تعاملات و روابط اجتماعی غیرممکن خواهد بود، همچنانکه عدم ارضاء برخی نیازها همچون نیازهای اولیه برای او زندگی را سخت و غیر قابل پذیرش می‌کند [۳]. تعاملات اجتماعی به مانند یکی از کلیدی‌ترین مفاهیم علوم اجتماعی و تشکیل دهنده یکی از بنیان‌های فرهنگی جوامع نوین در کنار عناصری مانند عقلانیت و حاکمیت قانون، در میان اندیشمندان علوم اجتماعی جایگاه ویژه‌ای به خود اختصاص داده است [۲۰]؛ به بیان دیگر، تعاملات اجتماعی یا «سرمایه‌های اجتماعی» به‌عنوان جوهر و بنیان جامعه از طریق فرایند ایجاد ارتباط و اعتماد در جامعه مانع از خودبیگانگی و رشد فزاینده انحرافات اجتماعی گردیده و از طریق ایجاد ارتباط در میان افراد، تعاملات اجتماعی حاصل می‌شود [۵۹].

### ۳-۳-۱- انواع تعامل اجتماعی

چنانکه گیدنز ۲ بیان می‌کند تعاملات متقابل چهره به چهره پایه اصلی کنش‌های اجتماعی است و در بطن این تعاملات شیوه‌های ارتباط کلامی یا انتقال مفاهیم بصورت غیرکلامی را خواهیم داشت [۴]. گافمن در دسته‌بندی متفاوت دیگری دو نوع کنش اجتماعی را شناسایی می‌نماید. معیارهای دسته‌بندی وی سطح توجه افراد دخیل در کنش اجتماعی به رفتار و حالات یکدیگر است. دسته نخست، کنش متقابل غیر کانونی زمانی رخ می‌دهد که افراد، اطلاع از حضور یکدیگر را به نمایش می‌گذارند. در این حالت مردم پیوسته در حال برقراری ارتباطات غیرکلامی از طریق اداها و حالات چهره‌شان هستند؛ اما کنش متقابل کانونی هنگامی رخ می‌دهد که افراد مستقیماً به آنچه دیگران می‌گویند یا انجام می‌دهند، توجه داشته باشند. گافمن ۳ هر نوع کنش متقابل کانونی را یک مراد می‌داند که حاکی از کنار گذاشتن بی‌اعتنایی مدنی است و بخش بزرگی از زندگی روزانه ما را تشکیل می‌دهند [۴]. یکی دیگر از عوامل محیطی مؤثر بر تعامل اجتماعی، تعداد افراد موجود برای تماس در یک محدوده فضایی است. مجاورت فضایی از مهمترین تعیین‌کننده‌های روابط آنی افراد است، ولی حضور عده‌ای زیاد در فضایی بسیار کوچک می‌تواند منجر به ادراک روان-شناختی ازدحام شود [۱۱]. از این رو فضاهای باز شهری به عنوان یک قرارگاه رفتاری، نقشی مهم در تأمین نیاز اجتماعی افراد، تعامل مردم با یکدیگر و توسعه روابط فردی و اجتماعی دارند. وجود فضاهای دنج و خصوصی برای ملاقات‌ها و صحبت‌های چهره‌به‌چهره افراد با یکدیگر با توجه به شرایط سنی، جنسی و اجتماعی و ایجاد فضاهایی برای ارائه‌ی مهارت‌های فردی و گروهی می‌تواند به عنوان قرارگاه‌های رفتاری مؤثر در ایجاد ارتباطات اجتماعی باشند [۱۹].

### ۳-۳-۲- تأثیر محیط بر تعاملات اجتماعی

طراحی شهری برای محیط اهمیت ویژه‌ای قائل است و علت اصلی آن، تأثیری است که محیط بر روی تعاملات و رفتارهای اجتماعی افراد می‌گذارد. انسان در محیط شهری حضور می‌یابد و با فعالیت‌ها و برقراری تعاملات اجتماعی به کالبد آن محیط، پویایی و زندگی می‌بخشد. محتوای یک محیط می‌تواند تعیین‌کننده نقش آن محیط در شهر باشد. به عبارتی تا زمانی که شهروندان فرصتی برای برقراری روابط اجتماعی با سایر افراد در یک محیط نیابند و تعاملی برقرار ننمایند، آن محیط نقش خود را به عنوان فضای شهری ایفا نکرده است.

درک رابطه بین جامعه و محیط در طراحی شهری کلیدی می‌باشد. اولین ایده‌ای که باید مدنظر قرار بگیرد، اصل قطعیت تأثیر معماری بر محیط است که بیان می‌دارد محیط فیزیکی تأثیر تعیین‌کننده‌ای بر رفتار انسانی دارد. با نفی عامل بودن انسان، فرض می‌شود که رابطه‌ی بین انسان و محیطش یک فرایند یک طرفه است. انسان‌ها منفعلی نمی‌باشند، مردم بر محیط خود اثر می‌گذارند و آن را تغییر می‌دهند، همان‌طور که فضا بر آن‌ها تأثیر می‌گذارد و آن‌ها را تغییر می‌دهد؛ بنابراین یک پروسه‌ی دوطرفه است. اگرچه عامل فیزیکی تنها عامل تأثیرگذار نبوده و یا عامل تأثیرگذار غالب بر رفتار انسان‌ها نمی‌باشد، فرصت‌هایی را که محیط به

- 1 - Social Capital
- 2 - Anthony Giddens
- 3 - Goffman

وجود می‌آورد به شکل روشنی بر آنچه مردم می‌توانند و یا نمی‌توانند انجام دهند اثر می‌گذارد؛ بنابراین رفتار انسان به شکل ذاتی بستگی به موقعیت داشته و ناشی از فرم فیزیکی، اجتماعی، فرهنگی و میزان درک انسان از محیط است [۴۰]. آلتمن نقطه مقابل مشارکت اجتماعی را اجتماع‌گریزی، بی‌میلی افراد به معاشرت و همیاری‌های اجتماعی ناهنجاری‌های رفتاری و بی‌تفاوتی به عرصه‌های جمعی دانسته و این عوارض را ناشی از زندگی پر سرعت و فقدان فضاها و مکان‌های جمعی، مناسب از دیگر سو قلمداد می‌کند [۳۳]. محیط برای مخاطبان خود به‌منزله واسطه‌ای است که امکان آشنایی و برقراری ارتباط با افراد جدید را فراهم می‌آورد که هرچه این ارتباطات بیشتر و پابرجاتر باشد، محیط در ایفای نقش خود بهتر عمل کرده است. در واقع به هر میزان که تعامل میان انسان و محیط قوی‌تر باشد، محتوای اجتماعی محیط بالاتر رفته و مطلوبیت محیط ارتقاء خواهد یافت.

هریک از نظریه‌پردازان در بیان خصیصه‌های فضاها با کیفیت شهری که بستر تعاملات اجتماعی باشند، مفهوم خاصی را به‌کار گرفته‌اند که بعضاً بر جنبه‌های خاص از ویژگی چنین فضاهایی اشاره دارند؛ اپیلارد هدف غایی طراحی شهری را خلق محیط‌هایی که روابط اجتماعی و رفتاری را تعریف کند و بیشترین تناسب را با آن محل داشته باشد و بتواند حس آسایش را بپرواند [۵۰]. "کالن" به حس اکتشاف و جنبه رازآمیزی در شهر و فضاهای شهری ضمن یکپارچگی در کلیتی منسجم توجه می‌کند و هدف طراحی شهری را ارتقای کیفیت‌های اجتماعی و زندگی اجتماعی شهروندان و همچنین لزوم توجه هماهنگ به فرم و ساختار شهر و عوامل انسانی می‌داند [۴۱]. زوکر ۱ مفهوم توقف‌گاه روانی را به معنای گره‌های اجتماعی طراحی شده ابراز می‌دارد که جامعه را به معنای واقعی به اجتماع و نه صرفاً به تجمعی از افراد تبدیل می‌کند [۶۶]. آلتمن طراحی محیط‌های تأثیرپذیر را راه حل کاربرد نظریه‌های روان‌شناسی محیط در شهرسازی می‌خواند و آن را پاسخ‌گویی به گرایش‌های متغیر افراد می‌داند؛ محیطی که هم تأثیرپذیر باشد هم نظارت بر تعاملات اجتماعی را ممکن سازد؛ و مهم‌ترین هدف طراحی را خلق محیط‌هایی می‌داند که بیشترین پیوند را با رفتار استفاده‌کنندگان داشته و ارتقا دهنده حس مکان در شهروندان باشد [۳۲]. وایت بر تمرکز طرح‌های شهرسازی بر انسان و رفتارهای انسانی به جای تمرکز بر مسایل ترافیکی، اقتصادی و با توجه صرف به مسایل زیبایی‌شناسانه و فرم شهری تأکید می‌کند. وی ضمن تأکید بر فضاهای مردم‌گرا، مفهوم زندگی خیابانی را مطرح کرده است. در نظر وایت، فضای مردم‌گرا به جایی اطلاق می‌شود که مردم در آن ساعت‌ها باهم حرف می‌زنند یا خداحافظی‌های طولانی مدت دارند؛ فضایی که مردم در آن آسوده باشند و برای حضور از آن استقبال کنند [۶۴]. "گاسلینگ" تغییر پارادایم‌ها و ارزش‌ها در دیدگاه نسبت به شهر را برای ارتقای تعامل اجتماعی در فضاهای شهری با محوریت شهروندان ضروری می‌داند [۴۵]. به اعتقاد جین جیکوبز که از دید جامعه‌شناسانه به شهر می‌نگرد، شهر یک ارگانیزم اجتماعی متشکل از واحدهای زنده است، تراکم و اختلاطی از فعالیت‌ها و ساختمان‌های گوناگون به اضافه شلوغی و جنب و جوش مردم؛ از این‌رو او خواهان توقف تفکیک فعالیت‌ها است و معتقد است با فراهم آوردن عرصه‌های بالقوه‌ای از امکان برقراری روابط متقابل اجتماعی و گستره‌ای از رفتارهای گوناگون می‌توان به مراکز شهری معنا بخشید. گاتمن نیز شهر را به مثابه پدیده‌ای اجتماعی و سیاسی با جریان‌های هم‌زمان سه عنصر "تعداد زیادی مردم، محیط مصنوعشان و ترکیبی از الگوهای زندگی" می‌داند [۲۷]. آنچه از مجموع مطالعات و بررسی‌های این پژوهش بر می‌آید این است که فضای شهری، مکانی است برای احیای زندگی جمعی شهروندان و فراهم آوردن زمینه‌ای برای برقراری تعاملات اجتماعی آنان، فصل مشترک تمام پژوهش‌های صورت‌گرفته در این زمینه، ما را به این نتیجه می‌رساند که یکی از اصلی‌ترین رسالت‌های فضای شهری، ارتقاء مرادفات اجتماعی افراد به منظور رشد کیفی این فضاهاست. چراکه تحقق این مهم به موازات افزایش سرمایه اجتماعی در یک فضای شهری، لازمه مطلوبیت شهر بوده که در نهایت منجر به مطلوبیت زندگی شهروندان نیز خواهد شد.

### ۳-۲-۱- تأثیر کالبد بر تعاملات اجتماعی

همانطور که در ابتدای مقاله پیش رو گفته شد، فضا برای تعیین محیطی خود نیازمند ظرف کالبدی است. در واقع الزاماً باید محیطی فیزیکی و محصورکننده وجود داشته باشد تا محیط غیرفیزیکی و محصورشده خود را هویت فضایی بخشد؛ بنابراین عرصه‌های عمومی اجباراً تحت تأثیر شدید محیط کالبدی خود هستند. صاحب‌نظران مختلفی در خصوص اهمیت کالبد بر حال‌وهوای عرصه محاطی خود صحبت کرده‌اند بگونه‌ای که امروزه تلاش برای کتمان این رابطه کاملاً بیهوده بوده، تأثیر و تأثرات عرصه عمومی و محیط کالبدی آن قویاً بدیهی است. چنانکه عده‌ای بر اصل محصوریت کالبدی تأکید دارند و حتی پا را فراتر نهاده، محیط کالبدی را در رابطه‌ای مستقیم با تعاملات حادث در فضای شهری می‌دانند ([۱۰]، [۶۳]، [۶۲]). برخی روان‌شناسان محیطی هم تعاملات اجتماعی را شدیداً تحت تأثیر محیط کالبدی می‌شناسند ([۳۷]، [۵۶]، [۳۳]، [۴۸]، [۵۸]). بنابر آنچه گفته شد و چنانکه مطالعات پیرامونی ما برای این پژوهش نشان می‌دهد محصوریت کالبدی، سبک معماری، تخلخل فضایی، جنس مصالح، سایه‌اندازی، فرم هندسی، پالت رنگی، جداره‌های فعال و بسیاری موضوعات دیگر، معیارهای کالبدی تأثیرگذار بر تعاملات اجتماعی در عرصه‌های عمومی هستند که منجر به پدید آمدن فضاهای شهری خواهند گردید.

### ۳-۲-۳-۲- تأثیر کارکرد بر تعاملات اجتماعی

اجتماع شهری به مفهوم گروه شهروندان با اغراض متفاوتی در عرصه شهری حضور می‌یابند. اگر به نظریات مازلو و دیگر روانشناسان اجتماعی رجوع کنیم، مشاهده می‌شود همواره برآوردن نیازها اصلی‌ترین دلیل افراد برای حضور در عرصه عمومی است. به خاطر داشته باشیم گفتیم انسان موجودی اجتماعی است پس تصور شهروندی بدون ارتباط با سایرین دور از ذهن می‌نماید. عملکردهای محیطی و فعالیت‌های موجود در فضای شهری دلیلی کافی و واضح برای حضور شهروندان در آن ایجاد می‌کند؛ در جریان این حضور افراد، تعاملات و کنش‌های فرد با دیگران اتفاق می‌افتد که درحقیقت تعاملات اجتماعی شکل می‌گیرد. سوی هنجارمند یا ناهنجار بودن این فعالیت‌ها و شیوه‌های بروز آن که رفتار نامیده می‌شود، عملکردهای موجود در فضای شهری سوژه پژوهش‌های متعددی قرار گرفته که تمامی آن‌ها نهایتاً بر تأثیرگذاری فعالیت‌ها روی تعاملات اجتماعی صحه گزارده‌اند. یانگل در پژوهش‌های دقیق خود روی عرصه‌های همگانی، فعالیت‌های موجود در محیط را کاملاً مؤثر بر تعاملات اجتماعی می‌شناسد. وی فعالیت‌ها را در سه گروه فعالیت‌های اجباری، فعالیت‌های اختیاری و فعالیت‌های اجتماعی دسته‌بندی می‌نماید. وی معتقد است فعالیت‌های اختیاری بدان دلیل که وابستگی شدیدی به کیفیت‌های محیطی دارند و همچنین فعالیت‌های اجتماعی بدان دلیل که الزاماً نیازمند حضور اجتماعی فعال و مشارکت‌کننده در رویداد هدف دارد، در شهرسازی و دانش طراحی شهری از اهمیت ویژه‌ای برخوردار هستند [۴۳].

جان لنگ فعالیت‌های محیطی را بواسطه اشکال متفاوت بروز آن واجد اهمیت می‌شمارد. برخی رفتارها موجبات کنش و واکنش‌های حساب شده یا غیراندیشیده‌ای با دیگران را فراهم می‌کند. درحقیقت درون عرصه همگانی غالباً اتفاقات غیرمنتظره و جذابی مشاهده می‌شود که می‌تواند زمینه صحبت فرد با دیگران در آن خصوص را ایجاد کند [۴۹]. ویلیام وایت، در پژوهش‌های خود از طریق تصویربرداری و مشاهدات میدانی به ثبت رفتارهای افراد در محیط شهری اقدام می‌نمود [۶۵]. جین جیکوبز هم بعنوان یک منتقد شهری، همواری خیابان‌ها را بواسطه دراختیار قراردادن عملکردهای محیطی که دلیل حضور افراد در عرصه عمومی را فراهم می‌کند، مورد تحسین و ستایش قرار می‌داد. جیکوبز به فعالیت‌های شبانه، نظارت اجتماعی و بازه زمانی گسترده‌تر برای فعالیت‌های موجود و نهایتاً مبحث کاربری‌های مختلط اشاره می‌کند [۴۷]؛ بنابراین چنان که دیدیم و مطالعات جنبی ما برای پژوهش حاضر نشان داد، اختلاط کاربری‌ها، تنوع فعالیتی، فعالیت‌های شبانه و ۲۴ ساعته، سازگاری فعالیت‌ها، فعالیت‌های اولیه و ثانویه (پشتیبان)، نظارت اجتماعی، مشارکت مدنی و بسیاری موارد دیگر، فاکتورهای مؤثری در برقراری و غنای تعاملات اجتماعی درون عرصه‌های عمومی هستند.

### ۳-۲-۳-۳- تأثیر ادراک معانی بر تعاملات اجتماعی

همانطور که جک نسر ۱ معرفی می‌کند منظر ذهنی ارزیابانه شهروندان از اتفاقات و مشاهدات در عرصه عمومی تأثیر واضحی بر تصمیم ایشان برای حضور یا عدم حضور در محیط خواهد داشت [۵۲]. مطالعات ادراکی در دهه هفتاد قرن بیستم میلادی بتدریج اهمیت خود را بر محیط عملکردگرای آن دوران اثبات نمود و به زعم گلکار در دوران ادراکی طراحی شهری با پژوهش‌های متعدد صاحب‌نظرانی مانند لینچ مواجه هستیم [۲۴]. کوین لینچ در مطالعات خود تلویحاً بیان می‌دارد بار خاطراتی موجود در محیط خواه بصورت عناصر کالبدی و خواه در قالب کانون‌های فعالیتی، بعنوان نقاط لنگرگاهی و نشانه‌هایی در تصویر ذهنی شهروندان از محیط ثبت خواهد شد. در وهله بعد فرد با مراجعه به این تصویر ذهنی دست به گزینش و انتخاب برای حضور یا ترک فضای شهری خاصی خواهد زد [۵۱]. بسیاری از وقایع موجود در عرصه عمومی به ذهن بیننده خاطراتی از گذشته، مفاهیمی از امروز یا تصوراتی از آینده متبادر خواهد ساخت که تماماً به نحوه رفتار شهروند در فضا یا برداشت وی در قالب ادراک معانی محیطی مرتبط خواهد بود. پس واضح است موضوعات ادراکی بصورت مستقیم و غیرمستقیم بر تعاملات اجتماعی افراد در محیط مؤثر خواهد بود. یکی از مهمترین ایفاگران نقش در تعاملات اجتماعی عرصه عمومی، خود افراد بعنوان ذینفعان و ذی‌نفعان این مسئله هستند؛ بنابراین ادراک فرد از اینکه تا چه میزان محیط به وی اجازه حضور، ایفای نقش و رنگ تعلق بخشی خواهد داد، باعث می‌شود فرد در ارزیابی ذهنی شخصی برجسب محیط دوستانه و اجتماع‌پذیر یا محیط غیردوستانه و اجتماع‌گریز نسبت به عرصه عمومی الصاق نماید. مسلماً میزان تعاملات اجتماعی سازمند در محیط‌های شهری که از سوی کاربران حضورپذیر تلقی گردد بیشتر خواهد بود. تنوع وقایع، تنوع دلایل و تنوع رفتاری در فضاهای اجتماع‌پذیر، برای سایرین دلایلی متنوع از نظر جلب توجه ذهنی ایجاد خواهد نمود و دانسته یا نادانسته ذهن افراد را درگیر خود خواهد ساخت. در چنین محیطی سطح تعاملات اجتماعی به‌طور معنی‌داری افزایش خواهد یافت. مطالعات ما نشان می‌دهد عواملی مانند احساس تعلق به مکان، خاطره‌انگیزی، ادراک هویت، معانی انضمامی، امنیت، سرزندگی، حضورپذیری و بسیاری موارد دیگر، فاکتورهای ادراکی محیط و مؤثر بر سطح تعاملات اجتماعی در عرصه‌های همگانی خواهد بود.

### ۳-۳-۳- جایگاه تعاملات اجتماعی

سکونت‌گاه‌های شهری قبل از مدرنیسم، فضاهای عمومی مانند میدان‌های شهری و بازارها، به عنوان عرصه‌ای جهت ارتباطات اجتماعی بوده‌اند و درحقیقت مکان‌هایی متشکل از فعل و انفعالات اجتماعی تعداد زیادی از مردمانی که این تعاملات را امکان‌پذیر می‌ساختند، قلمداد می‌شده‌اند [۵۳]. علاوه بر این، فضاهای باز در ایجاد حس اعتماد و اطمینان به مردم کمک می‌کرده و باعث افزایش حس همبستگی و تعلق در مردم می‌شوند. درحقیقت این فضاها فراتر از مکانی صرفاً برای حضور منفعلانه هستند. پاکزاد (۱۳۸۹) با تفکیک قائل شدن بین فضای عمومی و فضای شهری، تنها آن دسته از فضاها که قابلیت وقوع تعامل و برقراری تعاملات اجتماعی را دارند در درجه‌ای بالاتر و به‌عنوان فضاهای شهری ارزیابی می‌کند. در مطالعه‌ای که روی بیش از هزار فضای عمومی شهری در کشورهای مختلف جهان صورت گرفته است، نشان داده شد که چهار عامل اساسی در سنجش مطلوبیت کیفی وضعیت فضاهای عمومی شهری از اهمیت بیشتری برخوردارند (www.pps.org). این عوامل عبارتند از: دسترسی و به هم پیوستگی، آسایش و منظر، کاربری‌ها و فعالیت‌های اجتماع‌پذیر. همچنین هانا آرنه [۳۴] قلمرو عمومی را عامل اصلی برون‌گرایی و زندگی سیاسی و عمومی می‌داند. پاول زوکر [۶۶] میدان حوزه عمومی را عامل تبدیل جامعه به اجتماع و نه صرفاً محل تجمعی از افراد می‌داند. جین جیکوبز [۴۸] پیاده‌روها را عامل ایجاد امنیت و تقویت تعاملات اجتماعی می‌داند. ویلیام وایت [۶۴] بر نقش اجتماعی فضاهای شهری تأکید می‌کند. اولدنبرگ (۱۹۸۹) عرصه‌های عمومی شهرها را به عنوان مکان سوم (خانه و محل کار را مکان اول و دوم می‌داند) تعریف می‌کند [۲۱]. محمد نقی‌زاده با بررسی دیدگاه‌های صاحب‌نظران مختلف، الگوی مفهومی تحقیق خود را بصورت زیر و با گروه‌بندی در مؤلفه‌های سه‌گانه عملکردی، معنایی و کالبدی ارائه می‌دهد. در هر گروه شاخص‌ها و معیارهای موردنظر به تفکیک و تفصیلی بیان گردیده است. (نمودار ۱)

### ۳-۳-۴- فاکتورهای مؤثر بر تعاملات اجتماعی

همانگونه که پیشتر گفته شد پیرامون موضوع تعاملات اجتماعی در عرصه‌های عمومی صاحب‌نظران متعددی اظهارنظر کرده و به بیان یافته‌های تحقیق‌شان در قالب معیارهای چندگانه پرداخته‌اند. در این پژوهش بسیاری از این تحقیقات مطالعه گردید و فاکتورهای مؤثر ایشان استخراج شد. می‌خواهیم معیارهای مکشوفه را با مدل مکان دیوید کانتز تلفیق کنیم. بدین‌گونه که معیارهای مذکور در قالب سه مؤلفه کالبد، عملکرد، تصورات دسته‌بندی خواهند شد. هدف ما این است ابتدا وضعیت این سنجه‌ها را در متغیر وابسته میزان تعاملات اجتماعی بررسی کنیم و براساس چنین سنجش وضعیتی بتوانیم به ابزارهای دقیقی برای طراحی عرصه‌های عمومی در نمونه موردی نائل شویم؛ بر این پایه، یافته‌های تئوریک این تحقیق در قالب الگوی پیشنهادی ما بصورت زیر جمع‌بندی و تدوین می‌گردد. این الگو پایگاه عملیاتی پژوهش قرار می‌گیرد و در ادامه مبنای تدوین پرسشنامه برای برخورد عینی با وضعیت نمونه موردی قرار می‌گیرد. (جدول ۲)

جدول ۲- فاکتورهای مؤثر بر تعاملات اجتماعی در عرصه‌های عمومی (منبع: نگارنده بر پایه یافته‌های مطالعات نظری)

صاحب‌نظران	سال	معیارهای ذکر شده	کالبد	عملکرد	تصورات
جین جیکوبز	۱۹۶۶	خیابان‌ها و پیاده‌روها، امنیت، تعاملات اجتماعی، اختلاط کاربری، تخلخل چداره، فعالیت‌های شبانه، چداره فعال	*	*	*
جان لنگ	۱۹۸۷	تعامل اجتماعی، دلبستگی به مکان،			*
یانگل	۲۰۰۵	ملاقاتها، فعالیت‌های پشتیبان، فعالیت‌های ۳گانه، کالبد پیرامونی،	*	*	
ویلیام وایت	۱۹۸۰	مسئولیت‌پذیری، زندگی اجتماعی		*	*
کوبین لینچ	۱۹۶۰	خوانایی، خاطره‌انگیزی، نقش‌انگیزی، منظره			*
استفان کار	۱۹۹۲	دموکراتیک، پاسخگویی، راحتی، آسودگی، مشارکت فعال، اکتشاف	*	*	*
پورتا و رنه	۱۹۷۲	پایداری کالبدی،	*		
لنارد و نارد	۱۹۹۳	همه‌شمولی، تداوم سکونت، عزت نفس، هویت، خاطره‌انگیزی، شخصی-سازی، حضورپذیری			*
هانا آرنه	۱۹۵۸	برون‌گرایی، زندگی سیاسی و عمومی	*		*
کریستوفر الکساندر	۱۹۷۵	ملاقات‌های غیررسمی	*		*





دیاگرام ۱- عوامل مؤثر در ارتقاء تعاملات اجتماعی [۳۰]

همانطور که پیشتر گفته شد و جدول بالا هم نشان می‌دهد، متغیرهای بسیار زیادی در تحقیق حاضر مورد اشاره قرار گرفت و هر یک از صاحب‌نظران بنا به دیدگاه شخصی، جزئیات زیادی را در طراحی محیطی در نظر گرفتند؛ اما مسلماً سنجش تمامی این معیارها بصورت جداگانه نیازمند زمان و دقت بسیاری است؛ لذا در این تحقیق با هدف تسهیل سنجش و سهولت تهیه ابزار بررسی (پرسشنامه) در مشاهدات میدانی، سعی کردیم معیارهایی که اندکی با یکدیگر همپوشانی دارند و یا می‌توان در یک سوال مورد پرسش قرار گیرد را با یکدیگر ادغام و تحت نام یک کیفیت فراگیرتر مورد کنکاش قرار دهیم؛ بنابراین از سویی سعی گردید تمامی معیارهای مکشوفه بعنوان متغیر مستقل مورد پوشش قرار گیرد و از سوی دیگر با پرسشنامه‌ای سروکار داشته باشیم که گویه‌های

کمتری دارد و پرسش شوندگان نسبت به مشارکت در تکمیل آن تمایل بیشتری نشان می‌دهند. باتوجه به موارد گفته شده، جدول ذیل را در قالب سه مؤلفه کلی تشکیل داده و متغیرهای مستقل پژوهش را بصورت ذیل گروه‌بندی نمودیم.

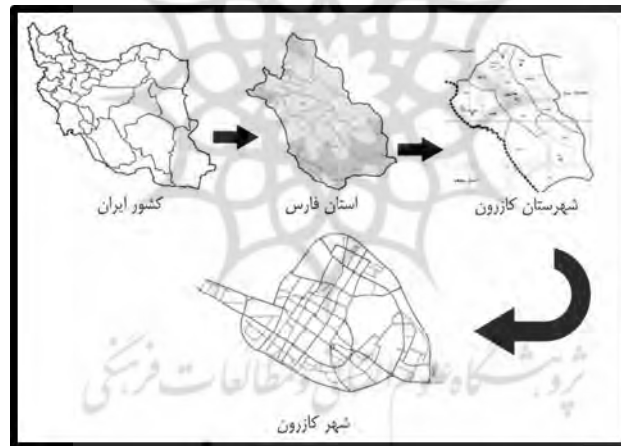
جدول ۳- گروه‌بندی معیارهای عمده در تلفیق با مدل کانتر (متغیرهای مستقل پژوهش) (منبع: نگارنده)

مؤلفه کالبد	مؤلفه عملکرد	مؤلفه تصورات
محصوریت- تعین فضایی- کفسازی- جداره فعال- تخلخل بدنه- سبک معماری- مصالح	اختلاط کاربری- مشارکت مدنی- فعالیت‌های شبانه- قرارگاه رفتاری- نظارت اجتماعی	خاطره‌انگیزی- خوانایی- امنیت- حضورپذیری- سرزندگی- راحتی- پایداری- دلبستگی به مکان

برمینای جدول ۳، پرسشنامه‌ای دارای ۲۲ معیار و ۲۳ گویه یا سوالاتی که معیارهای را رصد می‌کنند، تدوین گردید و در ادامه ابزار گردآوری داده‌های پژوهش قرار خواهد گرفت. اکنون با مشخص شدن چارچوب عملیاتی پژوهش، وقت آن فرا می‌رسد تا با محدوده نمونه موردی و داده‌های مورد سنجش آن آشنا شویم؛ لذا در ادامه به معرفی و تدقیق محدوده خواهیم پرداخت.

#### ۴- داده‌ها

پرسشنامه تحقیق حاضر در اختیار چند تن از اساتید دانشگاه و صاحبان نظران شهرسازی قرار گرفت و با تأیید ایشان بلحاظ محتوایی روایی پرسشنامه مورد تأیید قرار گرفت. همچنین این پرسشنامه در گروه کوچکی بعنوان مرحله پیش‌پژوهش به آزمون گذاشته شد و از این طریق روایی و پایایی آن مورد سنجش قرار گرفت. همچنین با کمک نرم افزارهای آماری، آزمون آلفای کرونباخ روی پرسشنامه ابزار تحقیق اجرا شد و با کسب رقم ۰.۸۵۱، که نشانگر روایی قابل قبول پرسشنامه است، با اعتماد بالایی می‌توانیم ابزار سنجش این پژوهش را در جامعه نمونه بکار گیریم و نتایج را در صورت نیاز به جامعه آماری تعمیم دهیم.



منبع: حقوقی، الهه (۱۳۹۷). پروژه پایانی کارشناسی، دانشگاه سلمان فارسی کازرون

شهرستان کازرون از شهرستان‌های غربی استان فارس است که از جنوب به شهرستان فراه‌بند، از غرب به استان بوشهر، از شمال به شهرستان ممسنی و از شرق به شهرستان شیراز محدود می‌باشد. این شهرستان با مرکزیت شهر کازرون، دارای ۴۰۶۰ کیلومترمربع وسعت و فاصله آن تا شیراز ۱۵۴ کیلومتر است. این شهرستان منطقه‌ای است کوهستانی که دشت کازرون و دریاچه پیریشان حد فاصل دو رشته کوه آن واقع شده و میانگین ارتفاع آن از سطح دریا ۷۳۲ متر است. طبق آخرین سرشماری انجام شده در سال ۱۳۹۰ جمعیت شهر کازرون برابر ۱۲۷،۳۲۸ تن و جمعیت شهرستان برابر ۲۵۴،۷۰۴ نفر می‌باشد. نژاد اکثریت مردم کازرون، همانند مردم ایران، از نژاد پارسی یا (پاراسواژ) شعبه‌ای از نژاد آریاست که تقریباً ۳ هزار سال پیش از میلاد از مسکن اصلی خود به ایران و فارس آمده‌اند. واژه‌های محلی و آداب و رسوم که نسل به نسل حفظ کرده‌اند نشانگر این واقعیت می‌باشد. اکثریت مردم این شهرستان مسلمان شیعه هستند. شهر کازرون از چند محله قدیمی تشکیل شده: محله آهنگران، محله پایین (مصلی)، محله بالا (علیا)، محله گنبد (گنیز)، محله کوزه‌گران، محله بازار، محله امامزاده، محله چهابی و چند محله دیگر که در حواشی شهر به مرور زمان بوجود آمده است، مثل سعادت‌آباد، محله قرچه (گل شوزکی)، کوی الزهرا (محله باغ آسیایی)، فرهنگ‌شهر و چند محله دیگر که همه این محله‌ها به هم چسبیده‌اند و شهر را به وجود آورده‌اند. به همراه چند شهرک به نام‌های انتظام، پردیس و شهید بهشتی و چند شهرک دیگر.

کوی کارگران بعنوان یکی از محدوده‌های جدید و درحال تکمیل شهر کازرون به مساحت تقریبی ۷۵ هکتار در موقعیت جغرافیایی حاشیه ای شهر کازرون قرار گرفته است. بنابه اطلاعات شبکه بهداشت شهرستان کازرون جمعیت این محدوده حدود ۶۸۰۰ نفر تخمین زده شده که البته با قرارگیری تعدادی از کاربری‌های با عملکرد شهری، جمعیت غیرساکن حاضر در محدوده را نیز باید به این میزان اضافه نمود.

محدوده مطالعاتی در وضع موجود بصورت صددرصدی تکمیل نبوده و همین موضوع از سویی برای امنیت محیطی بعنوان تهدید محسوب می‌گردد؛ از سوی دیگر بواسطه روبه‌رشد بودن، هنوز فرصت انجام اقدامات اصلاحی و اعمال تغییر شکل‌های جزئی در ویژگی‌های کالبدی محیط وجود دارد و از این دیدگاه می‌توان فرصت‌های متعدد توسعه را برای آن شناسایی کرد. در وضع کنونی ساکنین این محدوده عمدتاً جوانان و مهاجران روستا-شهری هستند که با پتانسیل‌های موجود می‌توان بدنبال جذب طبقه خلاق و بهره‌گیری از الگوهای اجتماعی سازنده ایشان بود. از سوی دیگر در این محدوده، روحیه روستا شهری باعث شده تمایل به زندگی آپارتمانی و انزوای بیشتری مانند بقیه قسمت‌های شهر پررنگ نباشد؛ بنابراین می‌توان با تقویت تعاملات اجتماعی که بلحاظ فرهنگی هم پتانسیل‌های آن در اختیار است نسبت به اصلاح محدوده اقدام نمود.

پایه‌روها و معابر کوی کارگران در وضع موجود بصورت کامل کفسازی نشده و احتمالاً همین عدم کفسازی یکی از عوامل مؤثر در سطح پایین همه‌شمولی در عرصه‌های همگانی آن بوده است. نظر به اینکه محدوده از ارتفاع ۷۸۴٫۲۳ در بالاترین بخش تا ۶۴۲٫۹ متر در پایین‌ترین قسمت، شیب عمومی حدود ۶٫۵٪ را نشان می‌دهد، الزامی است نسبت به طراحی کفسازی مناسب با خاصیت همه‌شمولی و پاسخگو به نیازهای اقلیمی اقدام شود. شهر کازرون با حداقل حدود ۳۰۰ روز آفتابی در سال جزو مناطق گرم و مرطوب اقلیمی محسوب می‌گردد؛ بنابراین شایسته است اکنون که فرصت الحاق اقدامات کالبدی وجود دارد، از طریق سایبان‌ها، رواق‌ها و سایه‌اندازی‌ها کیفیت آسایش اقلیمی عرصه‌های همگانی مدنظر قرار گیرد.

گفتیم محدوده موردنظر جزو توسعه‌های جدید شهر کازرون محسوب می‌گردد و بدیهی است عرصه‌های عمومی این محدوده برای حاضران چندان خاطره‌انگیز نباشد. عبارت دیگر اگرچه انتظار یادآوری خاطرات تاریخی گذشته را از فضاهای عمومی محدوده نداریم اما از طریق عملکردها، فعالیت‌ها و طراحی کالبدی فرصت ایجاد محیطی خاطره‌انگیز برای آینده را خواهیم داشت. اگرچه توسعه‌های جدید و فرهنگ شهرسازی موجود در سطح شهرستان به سمت ساخت و سازهای مدرنیستی گرایش دارد اما می‌توانیم با ارائه و اتخاذ الگوهای معماری مناسب به سمت سبک معماری بومی و مناسب فرهنگ و شرایط کنونی جامعه حرکت کنیم.

## ۵- یافته‌ها

آمار توصیفی داده‌های حاصل از پرسشنامه در پژوهش حاضر نشان می‌دهد باتوجه به تصادفی بودن انتخاب پرسش‌شوندگان ۵۲/۱٪ پاسخ‌دهندگان به پرسشنامه مرد و مابقی زن بوده‌اند. این آمار نمی‌تواند بطور قطع قابل تعمیم به کل جمعیت حاضر در محدوده باشد اما با تخمین مناسبی می‌توان اعلام کرد نظر به اینکه تعداد زنان حاضر در عرصه‌های عمومی محدوده اختلاف زیادی با مردان نداشته است احتمالاً محدوده از امنیت نسبتاً مناسب و حداقلی از کیفیت‌های محیطی برخوردار بوده است. در ادامه می‌توان نتیجه گرفت درصورت ارتقای کیفیت‌های محیطی موجود، این آمارها روند اصلاحی به خود خواهند گرفت.

اگرچه در قالب پرسشنامه، سن افراد پاسخگو برداشت شده بود اما این اعداد را در سه گروه نوجوان (۱۹-۵)، جوان (۴۹-۲۰) و سالخورده (بیشتر از ۵۰) طبقه‌بندی نمودیم. مشاهدات نشان می‌دهد ۱۸٪ پاسخ‌دهندگان در گروه نوجوان، ۶۷٪ در گروه جوان و نهایتاً حدود ۱۵٪ جامعه نمونه در گروه سالمند بوده‌اند؛ بنابراین نظر به اختلاف زیاد و پراکندگی در اعداد، بصورت حدودی می‌توان حدس زد احتمالاً محدوده مورد مطالعه در وضع موجود تسهیلات و شرایط کافی برای برقراری همه‌شمولی یا حضور گروه‌های آسیب‌پذیر سنی را دارا نیست. در بخش ارائه راهکارها تلاش خواهد شد تا حد امکان با جانمایی تسهیلات محیطی گوناگون و طراحی مناسب عرصه‌های همگانی، شرایط حضور همه گروه‌ها فراهم گردد.

داده‌ها نشان می‌دهد حدود ۸۲٪ پاسخ‌دهندگان دارای تحصیلات لیسانس و کمتر هستند و مابقی دارای تحصیلات تکمیلی بوده‌اند. اگرچه این اعداد نشانگر موضوع معنی‌داری در جامعه آماری نیست اما به‌هرتقدیر آموزندگی محیطی بعنوان یکی از زیرمعیارهای پاسخگویی محیط در بخش راهکارها مورد مذاقه قرار خواهد گرفت.

آمار استنباطی و تحلیل داده‌های حاصل از پژوهش نشان می‌دهد در بخش همبستگی بر مبنای آزمون پیرسون، تمامی متغیرهای مستقل وارد شده در مدل از معنی‌داری قابل قبولی با متغیر وابسته تعاملات اجتماعی برخوردار هستند؛ اما داده‌ها نشان می‌دهد به ترتیب متغیرهای حضورپذیری، کاربری مختلط، امنیت، سرزندگی، قرارگاه‌های رفتاری و جداره فعال بیشترین ارتباط مؤثر را با میزان برقراری تعاملات داشته‌اند؛ بنابراین از سویی این متغیرها در مدل وزن بیشتری گرفته و کنترل یا بهبود آن از اهمیت بالایی برخوردار خواهد بود و از سوی دیگر سایر متغیرها نیازمند اقدامات سازنده‌ای هستند تا میزان تأثیرگذاری آن‌ها نیز افزایش یابد. نتایج آزمون‌های رگرسیون خطی برای متغیر امنیت نشان می‌دهد درخصوص این کیفیت در محدوده مطالعاتی مابین

پاسخ‌دهندگان اجماع چندانی وجود ندارد و درحالی‌که از دید برخی پاسخ‌دهندگان وضعیت امنیت بسیار مطلوب ارزیابی شده اما عده‌ی زیادی نیز وضعیت امنیت محدوده را چالش برانگیز توصیف کرده‌اند. داده‌های مربوط به متغیر تعیین فضایی عرصه‌های همگانی نشان می‌دهد مجموعاً ساکنین محدوده چندان به این موضوع توجه نکرده‌اند و آن را موضوعی قابل تأمل ندانسته‌اند. نتایج آزمون‌های آماری روی داده‌ها نشان می‌دهد در مؤلفه کالبدی نیازمند اقدامات جدی و راهکارهای طراحانه متعددی هستیم تا از آن طریق بتوانیم وضعیت کیفی عملکرد و ادراکات در محدوده مطالعاتی را بالا ببریم.

مشاهدات میدانی و برداشت حاصل از پرسشنامه نشان داد در محدوده کوی کارگران کازرون اگرچه فضاهای عمومی قابل استفاده برای شهروندان موجود بود و کاربران از این عرصه‌ها استفاده می‌نمودند و البته تعاملات اجتماعی هم در محدوده به چشم می‌خورد اما این فضاها نتوانسته بود کیفیت مطلوب و موردانتظار از یک عرصه همگانی را فراهم نماید و چنان‌که ضعف در برخی کیفیت‌ها را شاهد بودیم می‌توانیم مدعی باشیم محله فاقد فضاهای عمومی باکیفیت است و این به معنی تأیید اولین فرض پژوهش درخصوص نمونه مطالعاتی خواهد بود. از سوی دیگر یافته‌های مطالعات تئوریک ما نشان داد همواره یکی از عمده عوامل مؤثر در ارتقای تعاملات اجتماعی، گروه‌های شهروندی و اجتماع‌های محله‌ای بعنوان کنشگران اصلی این جریان هستند و بسیاری از کیفیت‌ها در ارتباط مابین این افراد شکل خواهد گرفت؛ پس می‌توان گفت تنها از طریق استفاده از نظرات سازنده ساکنین می‌توان نیازهای ایشان را برطرف کرده و افراد را به استفاده از فضاهای جمعی تشویق نمود. چیزی که دومین فرض پژوهش حاضر قرار گرفته بود. همچنین یافته‌های بررسی نظرات اندیشمندان و تئوری‌های مرتبط با عرصه عمومی نشان داد کیفیت‌های محیطی از قبیل خوانایی، محصوریت، سرزندگی، جذابیت، تخلخل فضایی، کاربری مختلط، امنیت و بسیاری موارد دیگر در ارتقای میزان تعاملات اجتماعی افراد در عرصه‌های عمومی مؤثر است و این اثرگذاری از طریق مشاهدات میدانی در نمونه موردی هم مورد تأیید قرار گرفت و می‌توان گفت سومین فرضیه پژوهش نیز مورد تأیید قرار می‌گیرد.

## ۶- نتیجه‌گیری

باتوجه به موارد بررسی شده متوجه خواهیم شد یک فضای عمومی برای آن‌که بتواند برای مردم جذابیت داشته باشد باید ویژگی‌هایی داشته باشد که از جمله آن‌ها می‌توان به مواردی مانند کف‌سازی مناسب، محصوریت مناسب، دسترسی‌های مناسب و ورودی‌های دعوت‌کننده، طراحی مناسب جداره، مبلمان‌های مناسب، طراحی جداره و موقعیت قرارگیری آن در شهر اشاره نمود. علاوه بر موارد کالبدی اشاره شده موارد روانی تأثیرگذار نیز وجود دارند که سبب محبوبیت یک فضای عمومی می‌شوند از جمله این موارد می‌توان به: احساس امنیت، محصوریت فضا، سرزندگی، انعطاف‌پذیری، خاطره‌ساز بودن، قابلیت استفاده توسط همه اقشار جامعه (همه‌شمولی)، اکتشاف، حس تعلق، ایجاد هویت، خلق رویدادهای اجتماعی و... اشاره نمود؛ بنابراین جهت خلق یک فضای عمومی موفق باید تمامی این موارد را در نظر گرفته و آن‌ها را در طراحی خود استفاده نماییم. همچنین در طراحی فضاها باید به فرهنگ و تاریخ شهری که طراحی در آن صورت می‌گیرد توجه نمود و اقلیم را نیز در نظر گرفته و با توجه به شرایط آب و هوایی از عناصر متنوعی جهت بهتر شدن فضا استفاده نمود. یافته‌های پژوهش حاضر تلویحاً این موضوع را نمایانگر است که تعاملات اجتماعی در عرصه‌های عمومی در مفهومی فراگیر از پدافند غیرعامل، بعنوان عاملی مثبت ارزیابی خواهد شد.

هدایت، کنترل و بهره‌برداری از عواقب تعاملات اجتماعی در عرصه‌های همگانی، در پژوهش‌های مختلفی [۲] بعنوان یکی از چالش‌های پیش روی مدیریت شهری قرار گرفته و در برخورد با این شرایط گزینه‌های تئوریک مختلفی از قبیل اقدامات حکمروایی مطلوب شهری راهکارهای خود را ارائه داده‌اند.

باتوجه به موارد گفته شده، ماحصل پژوهش حاضر، ارائه راهکارهایی برای ارتقای تعاملات اجتماعی در عرصه‌های عمومی کوی کارگران شهر کازرون است. این راهکارها تحت عنوان اصول طراحی و در سطح راهبردهای طراحانه، دستورکاری برای توسعه آینده در اختیار ذی‌نفعان توسعه شهری و شهرسازان قرار خواهد داد. امید است نظر به عدم تکمیل محدوده و باقی بودن فرصت‌های توسعه، از توسعه ناندیشیده و لجام‌گسیخته این محدوده جلوگیری گردد. با طراحی استراتژیک یک محدوده کوچک در سطح یک شهر بزرگ و رهنمونی این محدوده به سمت موفقیت، الگوی مناسبی از اجرای یک طرح پایلوت برای سایر توسعه‌های شهری در اختیار قرار می‌گیرد که بمثابة کاتالیست توسعه، نواحی پیرامونی را به شکل قابل قبولی توسعه خواهد بخشید.

در ادامه نتایج حاصل از تحقیق بصورت راهکارهای توسعه محدوده کوی کارگران ارائه می‌گردد.

- رعایت دقیق محصوریت و کنترل طراحی ظرف فضایی قابل تشخیص
- تنوع استفاده از مبلمان شهری و کاربرد اثاثیه شهری تجمع‌پذیر، مقاوم در برابر رفتارهای وندالیستی، پاسخگو به سلیق شخصی کاربران

۱ - برای مطالعه بیشتر رجوع کنید به اکبری، محمد (۱۳۹۷). جایگاه پدافند غیرعامل در شهرسازی؛ همایش پدافند غیرعامل کالبدی، تبریز، شهریور ۹۷

- آسایش اقلیمی و پاسخگویی به الزامات طراحی بوم‌گرا، کنترل نور و سایه
- کنترل فرم هندسی فضا و لحاظ تسهیلات کالبدی برای به حداکثر رسانی تنوع استفاده (نشستن، نظاره و ...)
- رؤیت‌پذیری عرصه‌های همگانی از درون توده‌های کالبدی، کنترل جداره فعال و مدیریت تخلخل بدنه
- رعایت مقیاس انسانی، حس راحتی و جذابیت برای کاربران در طراحی
- در نظر گرفتن همه شمولی و قابلیت استفاده برای گروه‌های مختلف سنی - جنسی
- اختلاط کاربری، کاربری‌های ریزدانه و در نظر گرفتن فعالیت‌های پایه و پشتیبان
- گوناگونی سبک معماری در کف، بدنه، سقف و سکانس‌بندی عرصه‌ها
- تشویق و فرصت‌سازی برای بروز فعالیت‌های متنوع، با تأکید بر فعالیت‌های اجتماعی (نمایشگاه‌های خیابانی، اجرای موسیقی، بازارهای موقتی و ...)
- تقویت روابط شهروندی و امکان‌دهی به مشارکت همگانی در مدیریت فضاها
- تقویت هویت عرصه‌ها و تلاش برای برندسازی مکان شهری هم‌زمان با اقدامات تبلیغاتی

## منابع

۱. آلتمن، ایروین (۱۳۸۲). محیط و رفتار اجتماعی. ت: علی نمازیان. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
۲. اکبری ریایی، محمد (۱۳۹۴). چالش‌های حکمروایی مطلوب شهری در برخورد با سکونتگاه‌های فقیرنشین و فقر کاذب سکونتگاه‌ها: نمونه موردی شهر کازرون. همایش بین‌المللی سکونتگاه‌های فقیرنشین شهری؛ بسوی بهسازی و بازآفرینی پایدار، دانشگاه کردستان، کردستان.
۳. اکبری مطلق، مصطفی (۱۳۸۳). عوامل ایجاد سرزندگی در فضای شهری. پژوهشکده سپیدار، ارنیکا، تهران.
۴. گیدنز، آنتونی (۱۳۹۰). گزیده جامعه‌شناسی، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: نشر نی.
۵. بختیار نصرآبادی، آ، بختیار نصر آبادی، ح، بختیار نصرآبادی، ا. ۱۳۹۰. تحلیلی بر فضای شهری مردم‌گرا و رابطه آن با رفتار شهروندی. فصلنامه جامعه‌شناسی کاربردی، سال بیست و دوم، شماره پیاپی ۴۳، شماره ۳: ۱۱۴-۱۰۱.
۶. بهزادفر، مصطفی و ارسلان طهماسبی (۱۳۹۲). شناسایی و ارزیابی مولفه‌های تاثیرگذار بر تعاملات اجتماعی تحکیم و توسعه روابط شهروندی در خیابان‌های شهری: نمونه مورد مطالعه سنندج. نشریه باغ نظر، دوره ۱۰، شماره ۲۵، صص ۲۸-۱۷.
۷. بیکن، ادومند (۱۳۷۶). طراحی شهرها. ترجمه فرزانه طاهری، مرکز تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، چاپ اول، تهران.
۸. پاتنام، ر. (۱۳۸۰). دموکراسی و سنت‌های مدنی: تجربه ایتالیا و درس‌هایی برای کشورهای در حال گذار. ترجمه: محمدتقی دلفروز. دفتر مطالعات و تحقیقات وزارت کشور. تهران
۹. تاجبخش، گلناز و سیدحسین بحرینی (۱۳۷۸). مفهوم قلمرو در فضاهای شهری و نقش طراحی شهری خودی در تحقق آن. نشریه هنرهای زیبا، دوره ۶ شماره پیاپی ۱۰۲۶، صص ۳۱-۱۸.
۱۰. توسلی، محمود و ناصر بنیادی (۱۳۸۶). طراحی فضای شهری: فضاهای شهری و جایگاه آن‌ها در زندگی و سیمای شهری. مرکز مطالعات شهرسازی و معماری، چاپ اول، انتشارات شهیدی، تهران.
۱۱. تولایی، نرین (۱۳۷۲). فضای شهری و روابط اجتماعی و فرهنگی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده هنرهای زیبا، دانشگاه تهران.
۱۲. تیبالدز، فرانسیس. ۱۳۸۷. شهرسازی شهروندگرا. ت: محمد احمدی نژاد. اصفهان: خاک.
۱۳. جیکوبز، جین (۱۳۸۹). مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکایی، ترجمه: حمیدرضا پارسی و آرزو افلاطونی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۴. حبیب، فرح؛ نادری، سید مجید؛ جهانشاهلو، لعل؛ و فروزانگهر، حمیده (۱۳۹۱). سنجش چارچوب ارزیابی سرمایه اجتماعی در ساختر شهر با تأکید بر نقش فضاها عمومی؛ مطالعه موردی: شهر تهران. هویت شهر، ۱۲، ۵-۱۴.
۱۵. دانشپور، سید عبدالهادی و چرخچیان، مریم (۱۳۸۶). فضاها عمومی و عوامل مؤثر بر حیات جمعی، نشریه باغ نظر، شماره ۷، صص ۲۸-۱۹.
۱۶. راست بین، ساجد و همکاران (۱۳۹۱). رابطه همبستگی بین کیفیت‌های محیطی و تداوم حیات شهری در عرصه‌های عمومی: نمونه موردی محله جلفای اصفهان. نشریه باغ نظر، شماره ۲۱، سال نهم، صص ۴۶-۳۵.
۱۷. ستارزاده، داریوش؛ نقی زاده، محمد؛ حبیب، فرح (۱۳۸۹). فضای شهری، اندیشه‌های اجتماعی. نشریه علوم و تکنولوژی محیط زیست: زمستان ۱۳۸۹، دوره ۱۲، شماره ۴، صص ۱۸۳-۱۷۳.

۱۸. شجاعی، دلارام، پرتوی، پروین. ۱۳۹۴. عوامل مؤثر بر ایجاد و ارتقاء اجتماع‌پذیری در فضاهای عمومی با مقیاس‌های مختلف شهر تهران (نمونه موردی: فضاهای عمومی دو محله و یک ناحیه در منطقه ۷ تهران). باغ نظر، سال دوازدهم، شماره ۳۴: ۹۳-۱۰۸.
۱۹. فلاحت، محمدصادق و کلامی مریم (۱۳۸۷). تأثیر فضاهای باز شهری بر کیفیت گذران اوقات فراغت شهروندان. نشریه مدیریت شهری: زمستان ۱۳۸۷، دوره ۶، شماره ۲۲، صص ۸۵-۹۷.
۲۰. فوکویاما، فرانسیس (۱۳۸۴). سرمایه اجتماعی و جامعه مدنی، در سرمایه اجتماعی به کوشش کیان تاجبخش. تهران، نشر شیرازه.
۲۱. کاشانی جو، خشایار (۱۳۸۹). بازساخت رویکردهای نظری به فضاهای عمومی شهر. نشریه هویت شهر، سال چهارم، شماره ۶، بهار و تابستان ۸۹.
۲۲. کشفی، محمدعلی و دیگران (۱۳۹۱). نقش فضاهای عمومی ساختمان‌های مسکونی بلندمرتبه در افزایش تعاملات اجتماعی ساکنین؛ پژوهش موردی: برج بین‌المللی تهران. نشریه مدیریت شهری، شماره ۳۰، پاییز و زمستان.
۲۳. گل، یان، (۱۳۹۴). شهرناسانی. علی غفاری و همکاران، چاپ دوم، دانشگاه شهید بهشتی
۲۴. گلکار، کورش (۱۳۹۳). آفرینش مکان پایدار: تأملاتی در باب نظریه طراحی شهری. چاپ دوم، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
۲۵. ماجدی، حمید و همکاران (۱۳۹۰). بازتعریف فضای شهری (مطالعه موردی: محور ولیعصر حدفاصل میدان ولیعصر تا چهارراه ولیعصر). نشریه مدیریت شهری: بهار و تابستان ۱۳۹۰، دوره ۹، شماره ۲۷، صص ۲۸۳-۲۶۳.
۲۶. محمدی، محمد و محمد حسین آیت‌اللهی (۱۳۹۴). عوامل مؤثر در ارتقای اجتماع‌پذیری بناهای فرهنگی بررسی موردی: فرهنگسرای فرشچیان اصفهان. نشریه نامه معماری و شهرسازی، دوره ۸، شماره ۱۵، تابستان و پاییز ۱۳۹۴، صفحه ۷۹-۹۶.
۲۷. مدنی پور، علی (۱۳۸۷). فضاهای عمومی و خصوصی شهر. شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری شهرداری تهران، چاپ اول، تهران.
۲۸. منصوری، سیدامیر و امین حبیبی (۱۳۸۹). تبیین و ارزیابی مؤلفه‌های مؤثر بر ارتقای نقش منظر در پایداری محیط بررسی موردی رودخانه خشک شیراز. نشریه باغ نظر، سال ۷، شماره ۱۵: ۶۳-۷۸.
۲۹. نعیمی نظم آباد، زهرا، فرج‌پور، م.، امیرشقایق، م.ر. ۱۳۹۳. میزان‌سنجی سطح تعاملات اجتماعی در بافت‌های قدیمی باهمستان‌های شهری؛ نمونه موردی: محله درب نو گرگان. فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۳۸: ۱۵۰-۱۳۳.
۳۰. نقی زاده، محمد (۱۳۹۶). معیارهای قلمرو عمومی خوب شهر. نشریه مطالعات معماری ایران، شماره ۱۲، پاییز و زمستان، صص ۸۳-۹۶.
۳۱. هاروی، دیوید (۱۳۷۹). عدالت اجتماعی و شهر، ترجمه فرخ حسامیان و محمدرضا حائزی، تهران، شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری.
32. Altman, I. (1975). The environment and social behavior. Monterey. CA: Brooks/Cole.
33. Altman, Irwin (1993). Dialectics, physical environments, and personal relationships. Journal Communication Monographs, Volume 60, 1993 - Issue 1, Pages 26-34.
34. Arendt, Hannah (1958). The Human Condition. University of Chicago, Chicago.
35. Bacon, Edmund (1967). Design of Cities. Thames & Hudson.
36. Carr, S., Frances, M., Rivlin, L. G., & Stone, A. M. (1992). Public Spac. New York: Cambridge University press.
37. Canter, D. (1982) Contributing to environmental design. In S. Canter & D. Canter (eds.) Psychology in practice: Perspectives on professional psychology. New York: Wiley.
38. Canter, David (1977). The psychology of place. Architectural Press.
39. Carmona, M., Heath, T., Oc, T. & Tiesdell, S. (2003). Public Place- Urban Space. Nottingham: Architectural press.
40. Carmona, Matthew & Louie Sieh (2004). Measuring Quality in Planning: Managing the Performance Process. Routledge.
41. Cullen, Gordon (2012). The Concise Townscape. Routledge.
42. Gehl, J. (1987). Life between buildings: using public space. New York: Van Nostrand Reinhold.
43. Gehl, Jan (2011). Life between Buildings: Using Public Space. Island Press.
44. Gehl, Jan (2013). Cities for People. Island Press.
45. Gosling, David (1996). Gordon Cullen: vision of design. Academy editions, Britain.
46. Irwin Altman (2012). Place Attachment. International Encyclopedia of Housing and Home.
47. Jacobs, Jane (2016). The Death and Life of Great American Cities. Reprint Random House

48. Lang, J. (1987). Creating architectural theory: The role of the behavioral sciences in environmental design. New York: Van Nostrand Reinhold.
49. Lang, Jon (1994). Urban Design: The American Experience. John Wiley & sons Inc, New York.
50. Lennard, S. G. & Lennard, H. (1993). Urban Space Design and Social Life, companion to contemporary architectural, Rutledge, London.
51. Lynch, Kevin A. (1960). The Image of the City. MIT Press.
52. Madanipour, A. (1992). Design of Urban Space: An Inquiry into a Socio- Spatial Process, Wiley, West Sussex.
53. Madanipour Ali (2001). Concepts of Space. In: Madanipour, A; Hull, A; Healey, P, ed. The Governance of Place: space and planning processes. Aldershot: Ashgate, pp.19-22.
54. Madanipour, Ali (2003). Public and Private Spaces of the City. Routledge.
55. Madanipour, Ali (2017). Cities in Time: Temporary Urbanism and the Future of the City. Bloomsbury Publishing, London.
56. Montgomery, John (1998). Making a city: Urbanity, vitality and urban design. Taylor & Francis, Journal of Urban Design, 3, no. 1 (1998): 93-116
57. Nasar, J. L. (2015). Creating places that promote physical activity: Perceiving is believing. *Active Living Research Brief*.
58. Punter, J. V. 2007. Developing Urban Design as Public policy: Best Practice Principles for Design Review and Development Management. Journal of Urban Design 12(2), pp. 167-202.
59. Putnam, Robert. (1995). Tuning in, Tuning out: The strange disappearance of social capital in America. PS: Political science and politics, vol.28.no.40.pp:664-683.
60. Rogers, W. (2003). The Excellent City Park System, in what makes it great and how to get there. (Ed) P Hamnik. The Trust for Public Land, Pub, Washington DC.
61. Rogers, Richard (2008). Cities for a small planet. Basic Books, London.
62. Sitte, Camillo (2013). The Art of Building Cities: City Building According to Its Artistic Fundamentals. Reprint of 1945 Edition, Martino Fine Books.
63. Tibbalds, F. (1992). Making People Friendly Towns: Improving the Public Environments in Towns and Cities. Harlow: Longman Press.
64. Whyte, W, H. (1980). The social life of small urban spaces. Tuxedo, Maryland: Printers II Inc.
65. Whyte, William Hollingsworth (2001). The social life of small urban spaces. Project for Public Spaces, 8<sup>th</sup> reprint, New York.
66. Zucker, Paul (1970). Town and Square; from the agora to the village green. The MIT Press, Massachusetts.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

